

نسل و جدی‌انگاری جرم

مریم قاضی‌نژاد^۱ و مینا ذبیحی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۸

چکیده

آگاهی از نگرش مردم جامعه درباره جرم، از دیرباز در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، مورد توجه فلاسفه حقوق کیفری، فلاسفه اجتماعی و محققان اجتماعی بوده است. از آنجا که معمولاً درک اجتماعی یکسان از میزان اهمیت، جدیت و شدت رفتارهای مختلف مجرمانه در یک جامعه وجود ندارد، نوع و میزان واکنش‌های اجتماعی در برابر جرایم نیز متفاوت می‌شود. ریشه‌یابی این تفاوت‌ها، مسئله‌ای قابل تأمل است. پژوهش حاضر پیمایشی مقطعی در زمینه جدی‌انگاری جرم در دو نسل جوان و بزرگسال است که در جامعه پرتحول ایران انجام شده است. سنجش ارتباط جدی‌انگاری جرم با جهت‌گیری‌های ارزشی نسل‌ها، به عنوان مهم‌ترین عامل مرتبط با واکنش جمعی نسبت به نقض قوانین اجتماعی، از اهداف مهم این تحقیق بوده است. نمونه تحقیق ۲۴۶ نفر از دو گروه بزرگسال (۱۰۱ نفر) و نسل جوان (۱۴۵ نفر) ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۲ است که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و با ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند میزان جدی‌انگاری جرم میان دو نسل بزرگسال و جوان، تفاوت فاحشی با هم ندارد، اختلاف مشاهده‌شده به لحاظ آماری معنادار است و دو گروه نسلی، نادرستی و زیانباری جرایم مختلف را یکسان ارزیابی نکرده‌اند. همچنین تحلیل چندمتغیری نشان می‌دهد رابطه جهت‌گیری‌های ارزشی (متغیر واسطه) نسل‌ها و جدی‌انگاری جرم معنادار است؛ به طوری که ظهور و غلبه ارزش‌های فرامادی در نسل جوان‌تر می‌تواند دلیلی بر کاهش جدی‌انگاری جرم از سوی آنان نسبت به نسل قبل باشد. یافته‌های تحقیق حاضر در چارچوب دلالت‌های نظریه نسل تاریخی مانهایم و اینگلهارت تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: جدی‌انگاری جرم، جرم، جهت‌گیری‌های ارزشی، خاطرات نسلی، نسل.

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (سلام... علیها). maghazinejad@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (سلام... علیها). zabihi.m9@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جرم به مثابه رخدادی انسانی و پدیده‌ای دائمی، همراه با ظهور و شکل‌گیری اجتماعات انسانی، مطرح بوده و همگام با پیچیده‌شدن ساختارها و مناسبات اجتماعی در مسیر پیچیدگی و تغییر، پیش رفته است. به علاوه، جرم پدیده‌ای چندبعدی است که وقوع آن به مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها و عوامل بستگی دارد. دورکیم از منظر جامعه‌شناختی، جرم را پدیده‌ای بهنجار در جوامع و اجتماعات انسانی می‌داند و برای آن، کارکردهای مثبت اجتماعی نیز قائل است (کوزر، ۱۳۸۶: ۲۰۳).

شواهد نشان می‌دهد در جوامع معاصر، میزان نابهنجاری‌های اجتماعی در میان ساکنان حوزه‌های شهری بیش از دیگر نقاط کشور است. در این میان، شهر تهران- مکان تحقیق حاضر- به عنوان یک کلان‌شهر و به دلیل شرایط خاص فضایی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی، بالاترین آمار جرم و جنایت را در بین شهرهای دیگر دارد؛ به طوری که همراه با رشد جمعیت و افزایش میزان مهاجرت به تهران، رشد تصاعدی جرایم در این شهر طی سال‌های اخیر، از گسترش هنجارشکنی و عدم پایبندی به قوانین در آن حکایت می‌کند (پور احمد و کلانتری، ۱۳۸۱: ۵۳).

اگر چه وجود قانون و سیستم نظارت اجتماعی رسمی به عنوان عامل مهم کنترل و بازدارندگی جرایم در جامعه ضرورت دارد، طبیعی است به همراه وقوع انواع نابهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، نوعی حساسیت اجتماعی نسبت به آنها شکل بگیرد. این نوع واکنش‌ها و حساسیت‌ها، می‌تواند بخشی از مکانیزم‌های کنترلی مؤثر محسوب شوند و از این جهت حایز اهمیت‌اند؛ از این رو گفته شده «جدی‌انگاری جرایم می‌تواند نشانه انسجام اجتماعی بالا باشد و نیاز به نظارت اجتماعی رسمی را کاهش دهد» (سراج‌زاده، ۲۰۰۸: ۵۴۲).

بنابراین، جرم به عنوان رفتاری انحرافی، واکنش‌های گسترده‌ای را در جامعه برمی‌انگیزد و این واکنش‌ها، به نوبه خود، طیف وسیعی از ضمانت اجراها را در پی دارند و نظام کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی سعی می‌کنند به وسیله آنها از میزان کجروی‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی بکاهند تا هم‌نواپی در جامعه پایدار بماند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۸). در این زمینه گیدنز می‌گوید ضمانت‌های اجرای رسمی، معمولاً از ضمانت‌های اجرای غیر رسمی برجسته‌تر و نمایان‌ترند؛ لیکن ضمانت‌های اجرای غیر رسمی در تأمین هم‌نواپی نسبت به هنجارها اهمیت اساسی دارند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

از سوی دیگر، ساختارهای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی جوامع در میزان توجه و واکنش اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به جرایم، از اهمیت زیادی برخوردارند. همان‌طور که بررسی تاریخی تحول اشکال مختلف کیفردهی و مقایسه نظام‌های کیفری جوامع مختلف نشان می‌دهد، مجازات و نظام‌های حقوقی مربوطه، باز نمودی از ساخت اجتماعی و فرهنگی جوامع در دوره‌های مختلف‌اند.

در جامعه ایران دوره زمانی مقارن با رویدادهای مهم تاریخ معاصر یعنی انقلاب، جنگ تحمیلی، جریان‌های بازسازی و اصلاحی مابعد حائز اهمیت است. شکل‌گیری و وقوع حوادث اجتماعی - تاریخی و فرهنگی مذکور، بالطبع تغییرات محتمل قابل ملاحظه‌ای را در باورها و بینش‌ها و واکنش‌های گروه‌های نسلی که در دوره‌ها و فضاها خاص و متفاوت زندگی کرده‌اند، به وجود آورده است. نسل دیروز که دارای تجربه جنگ و انقلاب است، امروزه در کنار نسلی زندگی می‌کند که فاقد تجربه مذکور است و در شرایط دیگری، جامعه‌پذیر شده و هویتی متفاوت دارد. این خود سبب ایجاد فاصله و تفاوت در بینش و آگاهی‌ها، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی، سبک‌های زندگی و الگوهای رفتاری نسل قبل (والدین) با نسل جدید (فرزندان) می‌شود و از این طریق واکنش در برابر قواعد و نظام‌های حقوقی - قانونی رسمی، تسامح و یا جدی‌انگاری جرایم نزد گروه‌های نسلی نیز تغییر می‌یابد.

بر این اساس می‌توان گفت تفاوت گروه‌های نسلی، به عنوان بخشی اساسی از خرده‌فرهنگ‌های درون جامعه، می‌تواند در جهت‌گیری‌های مختلف فکری-فرهنگی و ارزیابی‌های هنجاری و اخلاقی به‌ویژه مسئله جدی‌انگاری جرم و انحراف، تبلور یابد.

تحقیق حاضر با فرض جدی‌انگاری جرم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و با توجه به دغدغه‌ای که پیشتر در زمینه اهمیت اجتماعی واکنش نسبت به جرم و مجازات - به‌ویژه در سطح گروه‌های نسلی - مطرح شد، در نظر دارد با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر دو گروه سنی جوان و بزرگسال، رابطه جدی‌انگاری جرم را با مختصات نسل‌ها در جامعه فعلی ایران، بررسی کند.

مطالعات انجام‌شده درباره جدی‌انگاری جرم، کارکردهای اجتماعی فراوانی داشته‌اند که اجرای آنها را ضروری ساخته است. مطالعات نسلی، مقایسه‌های عرضی و مقطعی گروه‌های سنی کلان این امکان را برای محقق فراهم می‌سازد که اعضای هر نسل را به عنوان نماینده افرادی قلمداد کند که از شرایط و وقایع اجتماعی-تاریخی خاصی (وقایع نسلی) تأثیر

می‌پذیرند. بر این اساس، محقق اجازه دارد به بررسی تأثیر تجربه، هویت و حافظه نسلی بر گرایش‌های ارزشی، اخلاقی و نگرشی به مسائل مختلف، از جمله جرایم و نابهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی، بپردازد.

مقاله حاضر بر پایه رویکرد نسل تاریخی، در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر توانسته است نگاه و ارزیابی نسل‌های مختلف را در حوزه جرم و مجازات اجتماعی تغییر دهد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند ضمن بیان تصویری از معیارها، باورها و بینش‌های نسل‌های مختلف، جایگاه، کارکرد و ضمانت اجرای اجتماعی قانون و مقررات در افکار عمومی و نسل‌ها را به صورت تجربی آزمون کند.

پیشینه تحقیق

بررسی دقیق سوابق تحقیق نشان می‌دهد در جوامع غربی پژوهش‌هایی که با هدف آگاهی از دیدگاه مردم نسبت به جرایم مختلف و قوانین مرتبط با آنها انجام شده، سابقه طولانی داشته و به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد؛ لیکن خلأ پژوهش‌هایی با عنوان جدی‌انگاری جرم، به ویژه از منظر نسل‌ها، در جوامع معاصر و کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که همزمان تحولات اجتماعی- فرهنگی و تغییرات نسلی مهمی را تجربه کرده‌اند، محسوس است. در ذیل، مهم‌ترین مطالعات موجود در این زمینه را مرور می‌کنیم:

«جدی‌انگاری جرم، پژوهشی میان- فرهنگی» عنوان پژوهش ایوانز و اسکات^۱ در سال ۱۹۸۴ است. دانشجویان آمریکایی (۵۳۵ نفر) و کویتی (۵۹۹ نفر) در حال تحصیل در دانشگاه‌های آمریکایی، نمونه آماری این تحقیق بوده‌اند نتایج نشان می‌دهد به دلیل حضور پررنگ‌تر مذهب در فرهنگ خاورمیانه، میزان جدی‌انگاری پاسخگویان کویتی و آمریکایی با هم تفاوت دارد، پاسخگویان کویتی در مورد جرایم اخلاقی (پس از جرایم خشن)، جدی‌تر از پاسخگویان آمریکایی بوده‌اند. همچنین پاسخگویان با میزان دینداری بالا، جرایم را جدی‌تر ارزیابی می‌کنند.

پژوهش مارک وِر^۱ (۱۹۸۹) تحت عنوان «جدی‌انگاری جرم چیست» نشان می‌دهد اگرچه جرم‌شناسان، چند دهه است جدی‌انگاری جرم را اندازه می‌گیرند، هیچ اتفاق نظری در معنای «جدیت» نمی‌توان یافت. قضاوت‌های جدی مردم درباره جرم، می‌تواند به نادرستی یک جرم (جنبه اخلاقی) و یا جنبه زیانباری عمل مجرمانه مرتبط باشد. نظرسنجی ساکنان دالاس نشان می‌دهد جرایمی که بیشتر غیر اخلاقی تصور می‌شوند تا مضر، به بعد غیر اخلاقی و زشتی جرم اشاره دارند و جرایمی که بیشتر زیانبار و خطرناک تصور می‌شوند تا غیر اخلاقی، به بعد ضرر آن (روزنمرکل، ۲۰۰۱: ۳۱۱).

در پژوهش پاتریک ون و همکاران (۱۹۹۷) با عنوان «توافق و عدم توافق جدی‌انگاری جرم» اجماع و اختلاف هنجاری راجع به جدی‌انگاری جرم بررسی شده است. داده‌ها از یک نظرسنجی تلفنی ۱۰۰۰ نفری در هنگ‌کنگ استخراج شده و نمره شدت جرم و جنایت برای کل جمعیت محاسبه شده است. جدی‌ترین جرایم قتل، تجاوز به عنف، جرایم مواد مخدر و راهزنی بوده‌اند، که توافقی نسبی در بین گروه‌های مختلف در زمینه جرایم مذکور به چشم می‌خورد. یافته‌های تحقیق، فرضیه جامعه‌شناسان مبنی بر ارتباط ارزشی جدی‌انگاری جرم با زمینه‌های ساختاری-اجتماعی را اثبات کرده است.

فرض روزنمرکل^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «نادرستی و زیانباری در برآورد جدی‌انگاری جرایم یقه سفید» این است که مردم در ارزیابی جرایم یقه سفید، بین زیانباری و نادرستی تفاوت قائل می‌شوند. نمونه تحقیق ۲۶۸ نفر از دانشجویان آمریکایی بودند که پرسشنامه‌ای حاوی ۲۳ آیتم را دریافت کردند. از پاسخگویان خواسته شده میزان نادرستی و زیانباری ۸ جرم یقه سفید، ۶ جرم دارایی و ۷ جرم خشونت‌آمیز را بیان کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، جرایم یقه سفید در بین جرایم مالی و خشونت‌آمیز ارزیابی شده است. هر دو بعد نادرستی و زیانباری در اندازه‌گیری جدی‌انگاری جرم (یقه سفید) مؤثر بوده است. در این مطالعه، روزنمرکل نتیجه می‌گیرد بین آگاهی مردم و میزان جدی‌انگاری جرایم رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش میزان آگاهی مردم، میزان جدی‌انگاری جرایم نیز افزایش می‌یابد. سراجزاده (۲۰۰۸) در پیمایش خود با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر جدی‌انگاری جرم، بررسی یک نمونه مسلمان»، به بررسی نگرش‌های اجتماعی دانشجویان ایرانی پرداخته است.

1. Mark Warr. Rosenmerkel

2. Rosenmerkel

این نظرسنجی در سال ۲۰۰۲ بین نمونه‌ای ۱۵۲۲ نفری در ایران اجرا شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد متغیر «دینداری» بیشترین همبستگی را با جدی‌انگاری جرم داشته است؛ مسلمانان در مورد جرایم جنسی و اخلاقی جدی‌تر بوده‌اند و رتبه بعد از قتل را به آن اختصاص می‌دهند. تساهل نسبت به جرایم مذکور، بیشتر مربوط به افرادی بوده که نوع دینداری آنها با ارزش‌های مدرن همسانی بیشتری داشته است. تفاوت در جهت‌گیری‌های سیاسی نیز در میزان جدی‌انگاری جرایم مؤثر بوده است. متغیر جنسیت در زمینه جرایم جنسی و اخلاقی تأثیر زیادی داشته و سایر متغیرها چون پایگاه اجتماعی و محل سکونت، رابطه چندان قدرتمندی با جدی‌انگاری جرم نداشته‌اند.

هدف پژوهش تارلینگ و کیت موریس^۱ (۲۰۱۰) تحت عنوان «بررسی نرخ گزارش جرایم به پلیس» بررسی نحوه گزارش جرایم به پلیس، تغییرات آن در طول زمان و مقایسه یافته‌های دو پیمایش ملی (سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۸) انجام گرفته در انگلیس بود. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل مؤثر بر نرخ گزارش جرایم، خود قربانیان و نزدیکان آنان بوده‌اند. با این که جرایم مالی و دارایی فراگیرترند، مردم آنها را در مقایسه با جرایم خشن کمتر گزارش می‌کنند و جرایم خشونت‌آمیز را بیشتر جدی می‌انگارند که این موضوع باعث جهت‌گیری گزارش‌های آنها می‌شود. همچنین جرایمی که اعضای خانواده یا آشنایان افراد مرتکب می‌شوند، نسبت به قبل کمتر گزارش می‌شوند.

مرور شماری از پژوهش‌های معتبر خارجی و داخلی نشان داد که تفاوت اساسی تحقیق حاضر با پژوهش‌های قبلی در این است که در بررسی عوامل مؤثر بر جدی‌انگاری جرم، خلأ تحلیل‌های نسلی مشهود است. از این رو با اتخاذ رویکردی نسلی به موضوع، تأثیر نسل و مؤلفه‌های نسلی، به ویژه خرده‌فرهنگ و معیارهای هنجاری-ارزشی نسل‌ها، به عنوان متغیر اجتماعی (مستقل) اصلی در نظر گرفته شده است. به عبارتی، در پژوهش‌های قبل، تأثیر «سن» در مقام متغیر زیستی یا جمعیتی صرف، بررسی شده، در حالی که جامعه‌شناسان برای طبقه‌بندی نسل، از معیارهایی استفاده می‌کنند که نه صرفاً بیولوژیکی یا جمعیت‌شناختی بلکه اجتماعی-تاریخی است. به علاوه پژوهش حاضر سعی دارد تا رابطه غیر مستقیم دو متغیر را از طریق تفاوت جهت‌گیری‌های ارزشی و معیارهای زندگی نسل‌ها واکاوی کند.

1. Roger Tarling and Katie Morris

چارچوب نظری

در این پژوهش از رویکردی ترکیبی استفاده شده است. در خصوص تغییرات ارزشی و نگرشی و معیارهای داوری افراد، از جمله جدی‌انگاری جرم و ارتباط آن با متغیرهای نسلی، از رویکرد نظری «ون» استفاده شده است. در بخش تعریف و طبقه‌بندی نسل نیز نظریه «مانهایم و اینگلهارت» مبنا قرار گرفته است؛ زیرا نگاه مانهایم و اینگلهارت به نسل و تکوین اجتماعی و فرهنگی نسل‌ها به رویکرد جدی‌انگاری جرم «ون» و تعریف وی از نسل نزدیک‌تر از دیگران است. اینگلهارت (با الهام از مانهایم) توانسته است زنجیره‌های اتصال تغییرات ارزشی نسل‌ها و نگرش‌های بعدی آنان به موضوعات و مسائل اجتماعی مختلف از جمله جرم و بزهکاری را واکاوی کند؛ بنابراین نظریه نسل تاریخی «مانهایم و اینگلهارت» و رویکرد جدی‌انگاری جرم «ون»، به عنوان رویکردهای مکمل، در ارزیابی جرم، می‌توانند راهنمای نظری و چارچوب تحلیلی مناسبی برای تحقیق حاضر باشند.

در تحلیل ون و همکاران، متغیر سن فقط با دید جمعیتی نگریسته نشده و بعد نسلی سن، بیشتر خود را نشان می‌دهد. ون در تعریف خود از گروه‌های سنی-نسلی معتقد است نگرانی‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های این گروه‌ها با یکدیگر متفاوت است. نسل‌ها به دلیل ویژگی‌های جسمی و روانی و تجربیات موجود در حافظه تاریخی خود از هم متمایز می‌شوند (ون و همکاران، ۲۰۰۲: ۶۲۹). این نوع نگرش ون به تعریف اینگلهارت از ویژگی‌های نسل‌ها نزدیک می‌شود؛ چرا که اینگلهارت دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و اجتماعی را علت تفاوت تجارب سازنده افکار و اذهان نسل‌های مختلف می‌داند که بالطبع، گرایش‌های ارزشی و معیارهای هنجاری نسل‌های مذکور را تا حد زیادی از هم متفاوت می‌سازد.

بر همین اساس، ون معتقد است قضاوت‌های متفاوت افراد نسبت به جرایم و جنایات، متأثر از تجارب ویژه آنان است. وی ویژگی‌های مختلف دو نسل (بزرگسال و جوان) و خاطرات متفاوت آنان را دلیلی بر درجات متفاوت جدی‌انگاری جرم در میان نسل‌های مختلف می‌داند. به عنوان مثال، ون از تجربه جنگ جهانی دوم و سایر ناآرامی‌های اجتماعی نام می‌برد که برای نسل بزرگسال کشور هنگ‌کنگ (در طول سال‌های ۶۰-۱۹۵۰) وجود داشته و نسل جوان هرگز آن را تجربه نکرده است. به همین سبب برخی جرایم در ذهن نسل بزرگسال آنان، به نوعی با خشونت و جنگ مرتبط می‌شود و جدی‌انگاری جرم در میان نسل مذکور را تحت

تأثیر قرار می‌دهد (همان). مطابق مفاهیم «جایگاه نسلی» و «تمایزات نسلی»، افرادی که در نسل خود، طعم جنگ را چشیده‌اند، درباره جنگ (و صلح) - و مسائلی از این دست - در مقایسه با کسانی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، دیدگاهی متفاوت دارند. مشابه با آن، ایده «انقلاب خاموش» اینگلهارت روشن می‌سازد که چگونه توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک سریع بعد از جنگ جهانی دوم و ارضای نیازهای اساسی در جامعه غرب، باعث شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های متفاوت نسل جوان نسبت به مسائل اجتماعی - در قالب ارزش‌های فرامادی - شده است. در سوی دیگر «نسل دوران جنگ» نسبت به «نسل دوران رفاه» نگاه متفاوتی به عموم مسایل اجتماعی، از جمله جرایم و ناپهنجاری‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که تحقیقات نسلی وی نشان داده، نسل جوان (با ارزش‌های فرامادی) در نگرش نسبت به سقط جنین، روابط جنسی نامشروع، فحشا و کشتن از روی ترحم، به مراتب از نسل بزرگسال (با ارزش‌های مادی) تساهلی‌تر و آزاداندیش‌تر، یا به تعبیری، دارای درجات پایین‌تری از جدی‌انگاری جرم‌اند. در این زمینه اینگلهارت، دست به تعمیمی گسترده‌تر می‌زند و اظهار می‌دارد که مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون، از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۲۲). مثلاً جوانان درباره روابط جنسی نامشروع، شکیبای کمتر (سهل‌گیرتر) از بزرگ‌ترها هستند؛ به طوری که بزرگسالان تقریباً دو برابر جوانان، آن را کاملاً نادرست می‌پندارند (همان، ۲۲۳) و یا فرامادیون نسبت به تک‌والدگری بسیار آزاداندیش‌ترند؛ شاید بدین دلیل که آنها اصل بقای اقتصادی مادران مجرد را امری بدیهی می‌پندارند (همان، ۲۲۶).

از سوی دیگر، از آنجا که جدی‌انگاری جرم، به عنوان پدیده‌ای بیشتر ذهنی یا میان‌ذهنی شناخته می‌شود که در فضایی بین‌الذهانی عینیت می‌یابد، دلالت‌های رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی در تبیین آن ورود خواهد کرد. به ویژه آن که خاطرات نسلی یا گرایش‌های ارزشی افراد نیز اساساً در این قالب (تجربه زیسته و هویت برساخت‌شده نسل‌ها) ظهور می‌کنند و نظریه‌های یادشده، واجد این جنبه مهم‌اند. بدین ترتیب در مقاله حاضر، با توجه به تجربیات تاریخی ویژه (نسل ساز) نسل‌ها در جامعه ایران (تجربه دوران جنگ و انقلاب، اصلاحات و...) و حافظه نسلی شکل گرفته از این اتفاقات، بر اساس رویکردهای مورد بحث، مسئله تفاوت جدی‌انگاری جرم گروه‌های نسلی جوان و بزرگسال سنجش و تحلیل شده است.

فرضیه‌های تحقیق

- بر پایه رویکرد و مدل تحلیلی مبنا، فرضیه‌های ذیل آزمون شده‌اند:
- میزان جدی‌انگاری جرم در دو نسل جوان و بزرگسال متفاوت است. بزرگسالان، جرایم را جدی‌تر از جوانان می‌پندارند.
 - جهت‌گیری‌های ارزشی در بین دو نسل جوان و بزرگسال متفاوت است. به نظر می‌رسد نسل جوان، بیشتر دارای ارزش‌های فرامادی و نسل بزرگسال دارای ارزش‌های مادی باشند.
 - جهت‌گیری‌های ارزشی نسل‌ها با جدی‌انگاری جرم رابطه دارد. به نظر می‌رسد مادی‌گرایان هر نسل بیشتر از فرامادی‌گرایان، جرایم را جدی‌پندارند.
 - خاطره (حافظه) نسلی با جدی‌انگاری جرم رابطه دارد. به نظر می‌رسد خاطرات یا ارزیابی‌های نسلی متفاوت (تلخ، شیرین یا ختنی) از حادثه مهم نسلی در حافظه تاریخی اعضای نسل، درجات متفاوتی از جدی‌انگاری جرم را به دنبال داشته باشد.

روش‌شناسی تحقیق

روش به کار رفته در تحقیق حاضر پیمایش^۱؛ واحد مشاهده، فرد و واحد اصلی تحلیل، گروه‌های سنی کلان (تفکیک‌شده بر اساس حادثه اصلی تاریخی) یا نسل است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه (ترکیبی از پرسشنامه استاندارد و محقق‌ساخته) است. بخشی از پرسشنامه شامل چند قطعه داستانی کوتاه (سناریو^۲) است که برای سنجش متغیر وابسته (جدی‌انگاری جرم) تعریف شده‌اند. بخش دیگر آن از گویه‌های جهت‌گیری‌های ارزشی و بخش دیگر از گویه‌های متغیر مستقل اصلی، یعنی نسل (تجربه حادثه نسلی و خاطره/ حافظه به‌جای‌مانده از آن) تشکیل شده است. برای سنجش پایایی گویه‌های پرسشنامه، پس از انجام پیش‌آزمون^۳ از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از طی مراحل مذکور، پرسشنامه

1. Survey

۲. همان‌گونه که دکتر سراج‌زاده در بحث جدی‌انگاری جرم مطرح می‌کند، منظور از سناریو آن است که در پرسشنامه تنها عنوان جرم مطرح نشده، بلکه موقعیت و حالت ارتکاب عمل در شرحی کوتاه بیان شده است. به عنوان مثال، به جای این که گفته شود «جاسوسی» را چقدر نادرست و زیانبار می‌دانید گفته می‌شود: «فردی اطلاعات مربوط به کشور خود را به کشور بیگانه می‌فروشد»؛ از نظر شما این عمل تا چه میزان زیانبار و نادرست است.

3. Pre-test

نهایی آماده شده و از پاسخگویان خواسته شد که با توجه به راهنمایی‌های مربوط، به سؤالات پاسخ دهند.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

بر اساس فرمول کوکران، ۲۴۶ نفر به عنوان نمونه معرف، انتخاب شده است. نوع نمونه‌گیری، نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبقه‌بندی شده^۱ است؛ بدین صورت که مناطق تهران از لحاظ پایگاه اقتصادی-اجتماعی به سه خوشه بالا، متوسط و پایین تقسیم شده و در هر خوشه، یک منطقه به طور تصادفی انتخاب شده است (مناطق ۳، ۶ و ۱۹ معرف مناطق بالا، متوسط و پایین). سپس در هر منطقه، یک ناحیه به طور تصادفی و در هر ناحیه بلوک‌هایی به شکل تصادفی انتخاب شده است. در مرحله بعد، خانوار و سپس از هر خانواده، یک پاسخگوی واجد شرایط، در گروه سنی ۳۵-۱۸ سال یا ۶۰-۴۲ سال^۲ و به نسبت مساوی از هر دو جنس مصاحبه حضوری صورت گرفته است. البته با توجه به رعایت نسبت‌های جمعیتی دو گروه نسلی مورد نظر در شهر تهران و مطابق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، این نسبت تقریباً به صورت ۴۰ به ۶۰ برای گروه سنی بزرگسال (۱۰۱ نفر) و جوان (۱۴۵ نفر) تعیین شده و بر طبق آن، جمع‌آوری داده‌ها از نمونه مورد نظر انجام گرفته است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

نسل، تجربه نسلی و خاطره نسلی

در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، در معنای نسل چنین آمده است: نسل از دیرباز به معنای بیولوژیک آن در نظر گرفته شده است و به تبع آن، به معنایی تبارشناختی^۳، یعنی تبار منظم گروهی از ارگانیزم‌های نشأت‌گرفته از یک پدر یا جد، قلمداد شده است؛ اما از ابتدای قرن نوزدهم، مفهومی اجتماعی و تاریخی از نسل‌ها توسعه یافته که شامل ساختار جوامع و ساختار خود تاریخ است. با این حال، کوشش برای فرموله کردن یک تئوری جامعه‌شناختی

1. Stratified Multistage Cluster Sampling

۲. در بخش تعریف عملیاتی مفهوم نسل، مبنای علمی این تقسیم‌بندی به تفصیل آمده است.

3. Genealogical

درباره نسل‌ها به معنای وراثت نسبی^۱، حاصلی نداشته است؛ زیرا تداوم زمانی ولادت‌ها، تعیین نسل‌های اجتماعی را تا وقتی که نسل به معنای بیولوژیک آن ادراک می‌شود، ناممکن می‌سازد؛ بنابراین ورود به تعبیر و تفسیری اجتماعی-تاریخی از مفهوم نسل و مناسب با حوزه علوم اجتماعی ضرورت دارد (سیلز^۲، ۱۹۶۸: ۸۸؛ به نقل از قاضی نژاد، ۱۳۸۳: ۵۷).

کلیموا^۳ صاحب‌نظر تحلیل‌های نسلی با دیدی فراتر از ایده قبل، یکی از اصلی‌ترین چارچوب‌های مفهومی برای تبیین موضوع‌های مربوط به جوانان را مفهوم «جایگاه تاریخی» مطرح کرده است و می‌گوید: جوانی بایستی از طریق رابطه آن با بستر تاریخی^۴ درک و شناخته شود. دوره زندگی، که سازنده نخستین و نزدیک‌ترین چارچوب مرجع پیرامون یک فرد است، خود در داخل چارچوب وسیع‌تری یعنی همان ساخت اجتماعی و قشربندی سنی، قرار می‌گیرد؛ با این حال هنوز چارچوب وسیع‌تری، یعنی همان «بستر تاریخی» وجود دارد که تاریخ‌های زندگی^۵ و ساخت اجتماعی را در برمی‌گیرد. بنابراین، دیدگاه‌های دوره حیات و قشربندی سنی، می‌توانند در داخل چارچوب مرجع تاریخی دیده شوند. از منظر تاریخی، باید به جوانان به عنوان یک نسل نگریسته شود. بنابراین جایگاه تاریخی نسل‌ها و هویت نسلی، نتیجه جریان جامعه‌پذیری نسل‌های معین در برهه‌های زمانی خاص و در بستر حوادث و شرایط تاریخی ویژه است. تنها با ارجاع تاریخ اجتماعی می‌توان نسل‌های تاریخی را تحلیل کرد (قاضی نژاد، ۱۳۸۳: ۸۶).

به اعتبار تعاریف مفهومی نسل، معیارهای بیولوژیکی (سن)، دوره اصلی جامعه‌پذیری، شکل‌گیری دیدگاه‌های متمایز (۲۵-۱۴ سالگی) و با ارجاع به حوادث تاریخی مهم سه دهه اخیر در ایران، یعنی انقلاب اسلامی، جنگ ۸ ساله و اصلاحات و همزمانی گروه‌های نسلی مختلف با این حوادث- یا به اصطلاح حوادث عطف، تعریف عملیاتی دو نسل مورد نظر در این پژوهش به شرح زیر است: نسلی که موتور حرکت انقلاب اسلامی است، جنگ تحمیلی را اداره کرده و خاطره مؤثری از این حوادث دارد که نسل انقلاب و جنگ نام دارد (نسل بزرگسال)؛ و نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنها به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و حوادث

-
1. Kinship Discent
 2. Sills
 3. Klimova. S.
 4. Historical Context
 5. Life Histories

دوره‌های مذکور، از جمله دوره سازندگی و اصلاحات برمی‌گردد (نسل جوان). گروه‌های سنی مرتبط با این دو نسل را می‌توان بر طبق تعاریف جامعه‌شناختی و همچنین با توجه به اتفاقات تاریخی هر نسل، به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

جدول ۱. طبقه‌بندی گروه‌های سنی بر طبق حوادث نسلی

سن فعلی (در سال ۱۳۹۲)	سال تولد	نسل‌ها
۴۲-۶۰ سال	۱۳۳۲-۱۳۵۰	نسل انقلاب و جنگ (نسل بزرگسال)
۱۸-۳۵ سال	۱۳۵۷-۱۳۷۴	نسل پس از جنگ (نسل جوان)

هرچند انتخاب سلیقه‌ای محققان و نادقیق بودن گستره سنی که با آن دوره نوجوانی و جوانی تعریف می‌شود، تعیین هرگونه مرزبندی برای این گروه را دشوار می‌سازد، مطالعات نشان می‌دهد که در این طبقه‌بندی امکان آن وجود دارد که گروه‌های سنی از ۱۳ سال تا ۴۰ سال قرار گیرند (بیزرمن و مگنسون، ۱۹۹۶: ۲۱ به نقل از ذکایی، ۱۳۸۹: ۲۳). نسل‌ها و تحولات مربوط به آنها را نمی‌توان در قالب واحدهای زمانی مشخص، ارزیابی و داوری کرد. آنها را باید با استفاده از تجربه مشترک نسلی، بازنمایی و تحلیل کرد (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۳)، بنابراین در این بخش سعی شده علاوه بر ملاحظات جمعیت‌شناختی، با الگو قرار دادن پژوهش‌های پیشین^۱ و استفاده از معیارهای مطرح، به ویژه تجربه حوادث بزرگ تاریخی-اجتماعی در محدوده اصلی دوران شکل‌گیری هویت افراد، تعریف و طبقه‌بندی مناسبی از دو نسل مورد مطالعه، بیان شود.

به‌رغم ویژگی‌های کلی مشترک و مشخصه نسل، در تعریف جامعه‌شناسان، «نسل» موجودیتی واحد و یکپارچه^۲ نبوده، بلکه یک کل ترکیبی^۳ است که در درون خود به واحدهای فرعی- یا به تعبیر مانهایم واحدهای نسلی^۴ قابل تقسیم است و در هر یک از گروه‌های نسلی، می‌توان زیرگروه‌هایی را نیز مشخص ساخت. بنابراین همه اعضای یک نسل از واقعه اصلی نسل خود به یک اندازه و به یک شیوه متأثر نخواهند شد؛ میزان تأثیرپذیری و واکنش‌های ذهنی

۱. ون و همکاران (۲۰۰۲)، فاطمه خرامان (۱۳۹۰).

2. United Entity
3. Composite Body
4. Generation Units

و رفتاری آنان نسبت به امور، بر حسب سایر متغیرهای درون نسلی (جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر این‌ها) متفاوت خواهد بود (د قرب، ۱۹۹۸: ۹۴؛ سیلز و همکاران^۱، ۱۹۸۹: ۳۶۰؛ ۱۹۹۶: ۲۱-۲۰؛ به نقل از قاضی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۶۱). با توجه به نظرهای مطرح شده در خصوص تجربه و هویت نسلی برآمده از حوادث تاریخی و نقش آن در شکل‌گیری افکار، ارزش‌ها و گرایش‌های رفتاری متفاوت در اعضای هر نسل، در این بررسی برای سنجش تجربه نسلی پاسخگویان، نظر آنها در مورد مهم‌ترین واقعه اجتماعی ایران که در فاصله سنی ۱۴ تا ۲۵ سالگی آنها اتفاق افتاده است پرسیده شده و برحسب پاسخ آنان به یکی از گزینه‌های انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، جنگ ۸ ساله ایران و عراق، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (پایان جنگ)، دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتخابات ۸۸، هویت و تعلق نسلی پاسخگویان از نگاه خود آنان شناسایی و مبنای تفکیک دقیق‌تر نسل‌های مذکور قرار گرفته است.

مفهوم خاطره/ حافظه نسلی، نیز به عنوان متغیر مکمل مفهوم «تجربه نسلی» مطرح شده و به معنای ارزیابی آثار منفی و مثبت وقایع مهم نسلی بر جامعه و زندگی اعضای نسل است. کریستوفر بالس، در مقاله ذهنیت نسلی از مفهوم خاطره نسلی با عنوان «ابژه نسلی» یاد کرده و می‌نویسد: ابژه‌های نسلی پدیده‌هایی‌اند که برای ایجاد حس هویت نسلی به کار می‌بریم. این ابژه‌ها چه بسا توسط نسل‌های قبلی نیز استفاده شده باشد؛ اما برای آنان حکم چارچوب شکل‌دهنده یک نسل را نداشته‌اند. ابژه‌های نسلی به ذهن کمک می‌کنند تا خاطرات گذشته را به یاد آوریم؛ به عبارت دیگر، هر ابژه نسلی بخشی از تجربه ما از دوره و زمانه‌مان را در خود نگه می‌دارد. پارک معتقد است تجربه انقلاب، قوه پندار آدمی را تحریک می‌کند و رؤیاهای آدمی را برمی‌انگیزاند و یا در جریان متعارف تجربه آدمی گسست می‌آفریند (پارک، ۱۹۹۵: ۳۶ به نقل از کاشی، ۱۳۸۴). تجربیات فردی، اعصاب و روان، دانایی‌ها و عادات فردی تحت تأثیر یک رخداد ویژه روانی قرار می‌گیرند؛ در این شرایط تجربیات ویژه و ماندگار حیات فردی ساخته و پرداخته می‌شوند. این چنین تجربه شگرفی، بر نحوه انتخاب‌های بعدی فرد، گزینش‌ها و الگوهای فهم امور و ارتباطات وی تأثیر می‌گذارد. به حسب تلخی و شیرینی تجربه مذکور، فرد افق‌های آتی حیات خود را تفسیر کرده و نسبت به رخدادها خوش‌بینانه و یا بدبینانه می‌نگرد (کاشی، ۱۳۸۴: ۲۵۶). برای سنجش این متغیر، از هفت گویه (در قالب طیف لیکرت) و در نهایت محاسبه مجموع نمره‌های کل گویه‌ها استفاده شده که معرف ارزیابی

1. De grab; Sills, schuman & scott

حوادث نسلی و خاطره (مثبت/ منفی، تلخ/ شیرین) بجامانده از حوادث مذکور در ذهنیت نسل‌های مورد مطالعه است.

مقیاس سنجش جهت‌گیری‌های ارزشی: ارزش‌های مادی و فرامادی^۱ اینگلهارت

ارزش‌های مادی مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی افراد بوده و با نیازهای طبیعی او ارتباط دارند. در مقابل، ارزش‌های فرامادی نیازهای فرازیستی انسان‌ها را ارضا می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳). اینگلهارت معتقد است اندازه‌گیری مستقیم ارزش‌ها مشکل است؛ لیکن می‌توان آنها را از الگوی پیوسته با تأکید بر انواع معینی از اهداف استنباط کرد. به منظور سنجش اولویت ارزشی پاسخگویان (خواسته‌های مادی و فرامادی) با شاخص‌سازی اینگلهارت، دوازده سنجۀ ارزشی در نظر گرفته شده است که پاسخگو باید اولویت‌های ارزشی خود را نسبت به آن تعیین کند. شش گویۀ زیر متعلق به سنجش ارزش‌های مادی‌اند: الف) حفظ نظم در کشور؛ ب) مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها؛ ج) حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی؛ د) اطمینان از اینکه کشور نیروی دفاعی نیرومندی دارد؛ ه) حفظ اقتصاد باثبات و (و) مبارزه با تبه‌کاری. شش گویۀ متعلق به سنجش ارزش‌های فرامادی شامل موارد زیرند: الف) اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت؛ ب) دفاع از آزادی بیان؛ ج) اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع‌شان؛ د) کوشش در جهت زیباترسازی شهرها؛ ه) حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر و (و) حرکت به سوی جامعه‌ای که در آن ارزش‌اندیشه‌ها بیش از پول است.

نکته اینکه به دلیل آزمون این مقیاس در جامعه اسلامی ایران، برخی از گویه‌هایی که در جداول آمده است با نظر کارشناسانۀ محققان ایرانی^۲ بومی‌سازی شده و در آنها تغییراتی لحاظ شده است. به این ترتیب شاخص کلی ارزش‌ها (متغیر نهایی جهت‌گیری) را می‌توان با توجه به مقدار امتیاز مربوط به جهت‌گیری‌های ارزشی فرد در مقیاس فاصله‌ای در نظر گرفت.

1. Material / Post Material Values

۲. برگرفته از پژوهش تقی آزاد ارمکی، حمید عبد اللهیان و منصور معدل؛ گزارش تفصیلی بررسی مقدماتی ارزش‌های جهانی در ایران.

جدی‌انگاری جرم^۱

مفهوم جدی‌انگاری یا جدی‌پنداری جرم، مفهومی پیچیده و چند بعدی است که به راحتی نمی‌توان آن را تعریف و اندازه‌گیری کرد. این مفهوم نشانگر میزان اهمیت، جدیت و شدت عمل مجرمانه برای اعضای جامعه است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۶). به طور کلی، قضاوت‌های ارزیابی‌کنندگان از جدیت یک عمل مجرمانه، تحت تأثیر ابعاد خاصی از عمل مجرمانه و شرایط آن قرار می‌گیرد (ور، ۱۹۸۹: ۷۹۵). به همین دلیل تعریف و تعیین حوزه و فضای مفهومی جدی‌انگاری دشوار به نظر می‌رسد. در این بین، دو بعد نادرست‌پنداری^۲ و زیانبارپنداری^۳ یک عمل مجرمانه بیشتر مورد توجه ارزیابی‌کنندگان قرار می‌گیرد.^۴ وقتی اعضای یک جامعه بیشتر تحت تأثیر هنجارهای جمعی و ارزش‌های اجتماعی قرار گیرند، به احتمال زیاد جرایم را نادرست یا غیر اخلاقی در نظر می‌گیرند. بعد دیگری از عمل مجرمانه که ارزیابی جدیت جرایم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیانبار یا آسیب‌زا بودن آن است. این ارزیابی نشان می‌دهد افراد تا چه اندازه از زیان وارده (از بابت جرم) به اشخاص و دارایی‌ها نگران‌اند.

در این تحقیق، منظور از میزان «جدی‌انگاری» یا جدی‌پنداری جرم، میانگین نمراتی است که از ارزیابی میزان نادرست یا غیر اخلاقی بودن و یا زیانبار یا آسیب‌زا دانستن یک عمل مجرمانه به دست می‌آید. برای طراحی سناریوهای مربوط به جرایم، ضمن استفاده از برخی گویه‌های استاندارد، به طراحی گویه‌هایی پرداخته شد که حساسیت‌های افراد (پاسخگویان) را نسبت به حرمت خانواده و نظم داخلی، با توجه به تحقیق گسترده اینگلهارت^۵، ارزیابی می‌کند. اعمال مجرمانه مورد بررسی، بر اساس ماهیت، ملاحظات قانونی و حقوقی و پیشینه تحقیقاتی گسترده (سراج زاده، ۲۰۰۸؛ ون و همکاران، ۲۰۰۲) و ایوانز و اسکات (۱۹۸۴)، به شش گروه جرایم خشن (قتل عمد، تجاوز به عنف، قتل ناموسی، قتل ترحمی)؛ جرایم جنسی (زنا و هم‌جنس‌بازی)؛ جرایم ضد امنیتی (قاچاق مواد مخدر، مقابله با پلیس، جاسوسی)؛ جرایم

1. Perceived Seriousness of Crime

2. Wrongfulness

3. Harmfulness

۴. پژوهش‌های معتبر و مطالعات دقیق «جدی‌انگاری جرم» (همچون مارک و ۱۹۸۹ و روزن‌مرکل ۲۰۰۱)، دو بعد نادرست‌پنداری و زیانبارپنداری را به عنوان ابعاد این مفهوم به کار گرفته‌اند که در پژوهش حاضر، ادبیات و یافته‌ها در قالب همین ابعاد، بررسی و تحلیل خواهند شد.

۵. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ۱۳۷۳.

اقتصادی (دزدی، ارتشا، تقلب در مالیات، خرید شیء دزدی)؛ جرایم اخلاقی (سقط جنین، مصرف مواد مخدر یا مشروب الکلی) و سایر جرایم^۱ (رانندگی با سرعت غیر مجاز، جیب‌بری، تخریب اموال اشخاص) تقسیم شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

نمونه مورد بررسی شامل ۵۰/۴ درصد زن و ۴۹/۶ درصد مردند؛ به لحاظ تفکیک نسلی، حدود ۶۰ درصد نمونه تحقیق از نسل جوان (۳۵-۱۸) و نزدیک ۴۰ درصد آنان را افراد بزرگسال (۶۰-۴۲) تشکیل داده‌اند. حدود ۲۶ درصد جمعیت بزرگسال و ۲۰ درصد جمعیت نسل جوان پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا؛ ۴۳/۶ درصد بزرگسالان و ۶۲/۸ درصد نسل جوان پایگاه متوسط و در نهایت ۳۰/۷ درصد بزرگسالان و ۱۷/۲ درصد جوانان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایینی دارند. بر این اساس آنچه درباره تفاوت‌های دو نسل بر مبنای پایگاه اقتصادی- اجتماعی می‌توان گفت این است که تا حدودی نسل بزرگسال در مقایسه با نسل جوان از ارتقای پایگاهی برخوردارند.

- یافته‌های توصیفی

یافته‌ها نشان می‌دهد ۳۳/۷ درصد از پاسخگویان بزرگسال واقعه انقلاب، نزدیک ۵۰ درصد واقعه جنگ و ۱۶/۸ درصد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را مهم‌ترین وقایع نسلی خود می‌پنداشتند. در سوی دیگر ۲۶/۹ درصد از پاسخگویان نسل جوان (۱۴ تا ۲۵ سالگی)، جریان دوم خرداد و ۷۳/۱ درصد، واقعه انتخابات ۸۸ را مهم‌ترین وقایع اجتماعی در فاصله سنی خود دانسته‌اند:

جدول ۲. توزیع فراوانی و نسبت پاسخگویان بر حسب تجربه حوادث نسلی به تفکیک دو نسل

مجموع	انتخابات ۸۸	دوم خرداد ۷۶	پذیرش قطعنامه	جنگ	انقلاب	تجربه نسلی	
						فراوانی	درصد معتبر
۱۰۱	-	-	۱۷	۵۰	۳۴	نسل بزرگسال	فراوانی
۱۰۰	-	-	۱۶٫۸	۴۹٫۵	۳۳٫۷	درصد معتبر	درصد معتبر
۱۴۵	۱۰۶	۳۹	-	-	-	نسل جوان	فراوانی
۱۰۰	۷۳٫۱	۲۶٫۹	-	-	-	درصد معتبر	درصد معتبر
۲۴۶	-					تعداد کل	فراوانی
۱۰۰	-					درصد معتبر	درصد معتبر

۱. آن دسته از جرایمی که در هیچ‌یک از گروه‌های پنج‌گانه جای نمی‌گرفتند و می‌توان آنها را جزو جرایم نزدیک به تجربه زیسته افراد (جرایم ملموس) نیز به حساب آورد.

طبق دیدگاه و تعاریف نسل تاریخی، هویت یا تعلق نسلی اعضای یک نسل واقعی، به تجربه وقایع تاریخی رخ داده و «این‌همانی» اعضای نسل به آن بازمی‌گردد. بر این اساس، در تحقیق حاضر نیز می‌توان دو گروه سنی مورد مطالعه، یعنی جوانان (۳۵-۱۸ سال) و بزرگسالان (۶۰-۴۲ سال) را مصداق دو نسل حقیقی و تفکیک نسلی به عمل آمده در این پژوهش را معتبر دانست.

نکته اینکه حدود ۷۱ درصد از پاسخگویان نسل بزرگسال در ارزیابی حادثه نسلی، خاطره شیرین (مثبت) یا خنثی را (تقریباً به یک اندازه) واقعه اصلی نسل خود می‌پنداشته‌اند؛ این در حالی است که بیش از نیمی از پاسخگویان نسل جوان (حدود ۶۰ درصد)، ارزیابی یا خاطره منفی نسبت به مهم‌ترین حوادث نسلی خود ابراز داشته و کمتر از یک‌پنجم، آن را مثبت (یادآور خاطره‌ای خوش) قلمداد کرده‌اند. معنا و علل احتمالی بار منفی یا مثبت حوادث هویت‌ساز در ذهنیت نسل‌های جوان و بزرگسال، از مواردی نظیر عوامل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشأت می‌گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به اتفاقات نسلی و میزان تأثیرگذاری این رویدادها بر زندگی فردی و اجتماعی هر یک از اعضای دو نسل اشاره کرد.

جدول ۳. توزیع فراوانی گروه‌ها بر حسب خاطره نسلی از حوادث مهم

مجموع	تلخ (منفی)	خنثی / بی تفاوت (نه مثبت، نه منفی)	شیرین (مثبت)	خاطره نسلی	
				فراوانی	نسب بزرگسال
۱۰۱	۲۹	۳۹	۳۳	فراوانی	نسب بزرگسال
۱۰۰	۲۸,۷	۳۸,۶	۳۲,۷	درصد	نسب بزرگسال
۱۴۵	۸۵	۳۳	۲۷	فراوانی	نسب جوان
۱۰۰	۵۸,۶	۲۲,۸	۱۸,۶	درصد	نسب جوان
۲۴۶	-	-	-	فراوانی	تعداد کل
۱۰۰	-	-	-	درصد	تعداد کل

همان گونه که بر حسب رویکرد نظری مبنا انتظار می‌رفت، تعداد پاسخگویان با گرایش‌های فرامادی، جمعاً ۱۴ نفر معادل ۱۳/۹ درصد در نسل بزرگسال و ۲۹ نفر معادل ۲۰ درصد (بیشتر) در نسل جوان هستند. در مقابل، نسبت بزرگسالان به جوانان در گرایش به ارزشی مادی، به مراتب بیشتر، یعنی معادل ۶۱/۴ درصد ب ۴۹ درصد بوده است.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب ارزش مادی - فرامادی گرایي به تفکیک دو نسل

مجموع	مادی	التقاطی مادی	التقاطی فرامادی	فرامادی	گرایش‌های ارزشی	
					نسل	
۱۰۱	۶۲	۱۴	۱۱	۱۴	فراوانی	بزرگسال
۱۰۰	۶۱,۴	۱۳,۸	۱۰,۹	۱۳,۹	درصد	
۱۴۵	۷۲	۲۱	۲۳	۲۹	فراوانی	جوان
۱۰۰	۴۹,۷	۱۴,۵	۱۵,۸	۲۰,۰	درصد	

در زمینه تفاوت جدی‌انگاری جرم در دو نسل، یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین شاخص «نادرست‌پنداری جرایم» میان دو نسل بزرگسال و جوان به ترتیب ۱۸ و ۱۶/۵۸ درصد و میانگین شاخص «زیانباری جرایم» میان دو نسل بزرگسال و جوان به ترتیب ۱۷/۱۲ و ۱۶/۸۲ بوده است. همان‌گونه که ارقام میانگین دو شاخص نشان می‌دهد، نسل بزرگسال کمی بیش از آنکه جرایم را زیانبار بیندارند، بر نادرستی آن تأکید کرده‌اند. نسل جوان نیز در هر دو بعد زیانباری و نادرستی، جرایم را تا حدودی، تساهلی‌تر از نسل بزرگسال ارزیابی کرده است.

جدول ۵. آماره‌های مربوط به نمره‌های نادرستی و زیانباری جرایم به تفکیک دو نسل بزرگسال و جوان (بازه میانگین ۰ تا ۲۰)

بیشترین نمره	کمترین نمره	میانگین	نسل	ابعاد جدی‌انگاری جرم
۲۰	۹,۵۹	۱۸,۰۱	بزرگسال	نادرست‌پنداری
۲۰	۹,۶۱	۱۶,۵۸	جوان	
۲۰	۷,۷۴	۱۷,۱۲	بزرگسال	زیانبارپنداری
۲۰	۸,۲۰	۱۶,۸۲	جوان	

میانگین کل شاخص جدی‌انگاری جرم میان دو نسل بزرگسال و جوان به ترتیب ۱۷/۵۷ و ۱۶/۷۱ است که نشان از تفاوت نگرشی نه چندان زیاد (به نفع بزرگسالان) دو نسل نسبت به مقوله جرم دارد. بر این اساس هرچند اعضای دو نسل انگاره‌های تقریباً مشابهی به مقوله جرم و جنایت - به طور کلی و صرف نظر از جرایم خاص - داشته‌اند، تفاوت ارقام میانگین نشان می‌دهد، میزان حساسیت یا جدی‌انگاری جرم در میان اعضای نسل اول (والدین و بزرگسالان) از نسل جوان امروز جامعه ما تا حدی بیشتر است:

جدول ۶. آماره‌های مربوط به شاخص کل جدی انگاری جرم به تفکیک دو نسل جوان و بزرگسال (بازه میانگین ۰ تا ۲۰)

نسل	میانگین	کمترین نمره	بیشترین نمره
بزرگسال	۱۷,۵۷	۹,۵۳	۲۰
جوان	۱۶,۷۱	۹,۸۷	۲۰

- یافته‌های استنباطی

در این بخش، فرضیه‌های تحقیق و نتایج حاصل از آزمون تجربی آنها بررسی و تحلیل می‌شود: ❖ میزان جدی انگاری جرم در دو نسل جوان و بزرگسال متفاوت است. به نظر می‌رسد بزرگسالان، جرایم را جدی‌تر از جوانان بیندارند.

جدول ۷. تفاوت میانگین جدی انگاری جرم در گروه‌های نسلی

تعداد	انحراف معیار	میانگین	طبقات پاسخ
۱۴۵	۲,۵۸	۱۶,۷۱	نسل جوان
۱۰۱	۳,۹۳	۱۷,۵۷	نسل بزرگسال
-۰,۸۶			تفاوت میانگین
-۲,۰۹			مقدار t
۰,۰۴			سطح معناداری

طبق نتایج آزمون تی تست می‌توان گفت میزان جدی انگاری جرم در بین جوانان و بزرگسالان تفاوت معناداری (sig= 0.04) داشته و قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. رقم میانگین جدی انگاری جرم نشان می‌دهد نسل بزرگسال اندکی بیش از جوانان، جرایم مورد بحث را جدی می‌انگارند. این یافته، همسو با نتایج تحقیقات پیشین در این زمینه بوده و آنها را تأیید می‌کند؛ هرچند تفاوت مشاهده شده بین نگرش‌های دو نسل به مقوله جرم، در نمونه این تحقیق، چندان زیاد نیست و نتایج، بیشتر بیانگر شباهت‌های نگرشی این دو نسل در بسیاری از سناریوهای جرمی است.

❖ جهت‌گیری‌های ارزشی در بین دو نسل جوان و بزرگسال متفاوت است. به نظر می‌رسد نسل جوان، بیشتر دارای ارزش‌های فرامادی و نسل بزرگسال دارای ارزش‌های مادی باشند.

جدول ۸. تفاوت میانگین متغیر جهت گیری های ارزشی در گروه های نسلی

طبقات پاسخ	میانگین	انحراف معیار	تعداد
نسل جوان	۳,۷۶	۲,۲۶	۱۴۵
نسل بزرگسال	۳,۱۶	۲,۱۰	۱۰۱
تفاوت میانگین		۰,۶۰	
مقدار T		۲,۱۱	
سطح معناداری		۰,۰۴	

برای آزمون این فرضیه، رابطه متغیر نسل (سطح سنجش اسمی) و متغیر جهت گیری های ارزشی (سطح سنجش فاصله ای) به کمک آماره تی تست بررسی شده است. نتایج نشان می دهد میانگین نمره های جهت گیری های ارزشی در بین دو نسل جوان و بزرگسال تفاوتی اندک، اما معنادار ($\text{sig}=0.0$) داشته و قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را دارد. بر این اساس، هرچند اعضای نسل جوان، از نسل بزرگسال فرامادی گراترند، تفاوت به دست آمده ناچیز بوده و نشان می دهد شکاف و تعارض نسلی قابل ملاحظه ای در جهت گیری های ارزشی در بین اعضای دو نسل مورد مطالعه، وجود ندارد.

❖ جهت گیری های ارزشی نسل ها با جدی انگاری جرم رابطه دارد. به نظر می رسد مادی گرایان هر نسل بیشتر از فرامادی گرایان، جرایم را جدی می پندارند.

جدول ۹. همبستگی میان جهت گیری ارزشی و جدی انگاری جرم

همبستگی (r_s)	$r_s = -0,18$
سطح معناداری	$\text{Sig}=0,00$

طبق نتایج به دست آمده، رابطه دو متغیر مذکور معنادار ($\text{sig}=0.00$) بوده و قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. ضریب همبستگی میان دو متغیر جهت گیری های ارزشی و جدی انگاری جرم $-0/18$ است؛ بنابراین شدت رابطه دو متغیر، در حد متوسط^۱ و جهت آن منفی است. همان گونه که انتظار می رفت و بر طبق یافته های گسترده اینگلهارت که فرامادی گرایان نسبت به مسائل اجتماعی جامعه خود سهل گیرانه تر برخورد می کنند، یافته های تحقیق حاضر نیز نشان می دهند ظهور گرایش های ارزشی فرامادی در اعضای نسل ها، می تواند

۱. در پژوهش حاضر، مقادیر زیر ۱۰ دارای با همبستگی ضعیف، مقادیر ۱۰ تا ۳۰ متوسط و مقادیر بالای ۳۰، با همبستگی قوی گزارش شده اند.

دلیلی بر کاهش جدی‌انگاری جرم در میان آنان باشد (رابطه معکوس). اینگلهارت اذعان می‌دارد که مادی‌گرایان بیشترین اولویت خود را به ارزش‌های مربوط به حیات طبیعی و ایمنی می‌دهند و بر تعلق و دل‌بستگی به دیگران و کیفیت زندگی تأکیدی ندارند. در پژوهش حاضر نیز انتظار می‌رفت مادی‌گرایان دو نسل مورد مطالعه، نسبت به جرایم تهدیدکننده امنیت جانی و مالی، انگاره‌های جدی‌تر و سخت‌تری داشته باشند که این فرضیه بر حسب نتایج حاصل تا حد زیادی تأیید شده است.

❖ **خاطره/ حافظه نسلی با جدی‌انگاری جرم رابطه دارد.** به نظر می‌رسد خاطرات یا ارزیابی‌های نسلی متفاوت (تلخ، شیرین یا خنثی) از حادثه مهم نسلی در حافظه تاریخی اعضای نسل، درجه‌های متفاوتی از جدی‌انگاری جرم را به دنبال داشته باشد.

جدول ۱۰. همبستگی میان خاطره نسلی و جدی‌انگاری جرم

$r_s = 0.14$	همبستگی (r_s)
sig = 0.03	سطح معناداری

طبق یافته‌های تحقیق، ضریب همبستگی خاطره نسلی و جدی‌انگاری جرم برابر با $r=0.14$ است. بدین معنا که هرچه خاطره به‌جامانده از حوادث مذکور در ذهنیت اعضای نسل معین مثبت‌تر باشد، میزان جدی‌انگاری جرم در میان آنان بیشتر می‌شود. این رابطه معنادار ($sig=0.03$) اما شدت آن متوسط است و قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را داراست. بر طبق نظر ون و اینگلهارت، کسانی که از حادثه مهم نسلی خود و تبعات آن خاطره‌ای منفی (تلخ) دارند یا در دوران شکل‌گیری هویتی، شرایط جانی و مالی نامنی را تجربه کرده باشند، نسبت به امور و مسائل اجتماعی از جمله تهدیدهای جرمی، نگاه سخت‌گیرانه‌تری خواهند داشت. بر خلاف نتایج و نظریه‌های مذکور، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در جامعه ما جهت این رابطه مثبت است؛ بدین معنا که افرادی که نسبت به حادثه نسلی خویش مثبت‌اندیش‌تر یا خاطره مؤثر مثبتی در این زمینه دارند، نسبت به جرایم و نابهنجاری‌های اجتماعی جدی‌انگاری بیشتری نشان داده‌اند. دلیل این امر را شاید بتوان بر حسب تجربیات روزمره و شرایط موجود جامعه فعلی درک کرد و گفت افرادی که نسبت به حوادثی چون جنگ، انقلاب و یا جریان‌های پس از آن (بازسازی، اصلاحات و ...)، نگاه مثبت‌تری دارند و

خاطرات نشأت گرفته از وقایع یادشده در ذهنیت آنان شیرین و رضایت بخش ارزیابی می شود، نسبت به تهدیدها و هنجارشکنی هایی که بعدها در جامعه و محیط اطراف (به عنوان فضای دربردارنده وقایع و خاطره های شیرین نسلی آنان) اتفاق افتد بالطبع حساسیت و سخت گیری بیشتری خواهند داشت. از سوی دیگر افرادی که به جامعه و وقایع مهم نسلی خود نگاه منفی تری داشته باشند، از نابه سامانی ها و هنجارشکنی هایی که در جامعه اتفاق می افتد نمی هراسند و نسبت به آن، حساسیت کمتری دارند. بر همین اساس می توان گفت که در تحقیق حاضر، پاسخگویان با خاطرات نسلی مثبت تر و شیرین تر که اغلب از نسل بزرگسال بوده اند، نسبت به جرایم، جدی انگاری بالاتری داشته اند. در مقابل، اعضای نسل جوان که بیشتر با خاطرات منفی از حوادث نسلی خود یاد کرده اند، نگرشی بی تفاوت و یا خنثی تری نسبت به امور و مسائل جامعه خود داشته و بر این اساس، حساسیت اجتماعی آنان کمتر و در نهایت، میزان جدی انگاری جرم پایین تری دارند.

- تحلیل رگرسیون

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها برابر با ۰/۴۶ درصد است که بیانگر همبستگی بالای متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق است. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نهایی، برابر ۰/۲۰ است که نشان می دهد ۲۰/۵ درصد از کل تغییرات جدی انگاری جرایم مورد بحث در این پژوهش، وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده (جهت گیری ارزشی، خاطره نسلی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، جنس، منطقه سکونت) در این مدل است. به عبارت دیگر، مجموع متغیرهای مستقل یادشده، حدود ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را برآورد می کنند.

جدول ۱۱. خلاصه نتایج مدل رگرسیون

مدل	R	R square	R square
۱	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	تعدیل شده
	۰،۴۶۶	۰،۲۱۸	۰،۲۰۵

متغیرهای مستقل: جهت گیری ارزشی، خاطره نسلی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، جنس، منطقه سکونت

جدول ANOVA، معناداری کل مدل را مشخص می‌کند. مقدار F برابر ۱۶/۷۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت متغیرهای مستقل به خوبی تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۲. تحلیل واریانس

مدل	مجموع مربعات	Df	مجدور میانگین	F	Sig.
رگرسیون	۷۲۹,۱۹	۴	۱۸۲,۳۰	۱۶,۷۵	۰,۰۰۰
باقیمانده	۲۶۲۲,۳۶	۲۴۱	۱۰,۸۸	-	-
کل	۳۳۵۱,۵۶	۲۴۵	-	-	-

- تحلیل مسیر

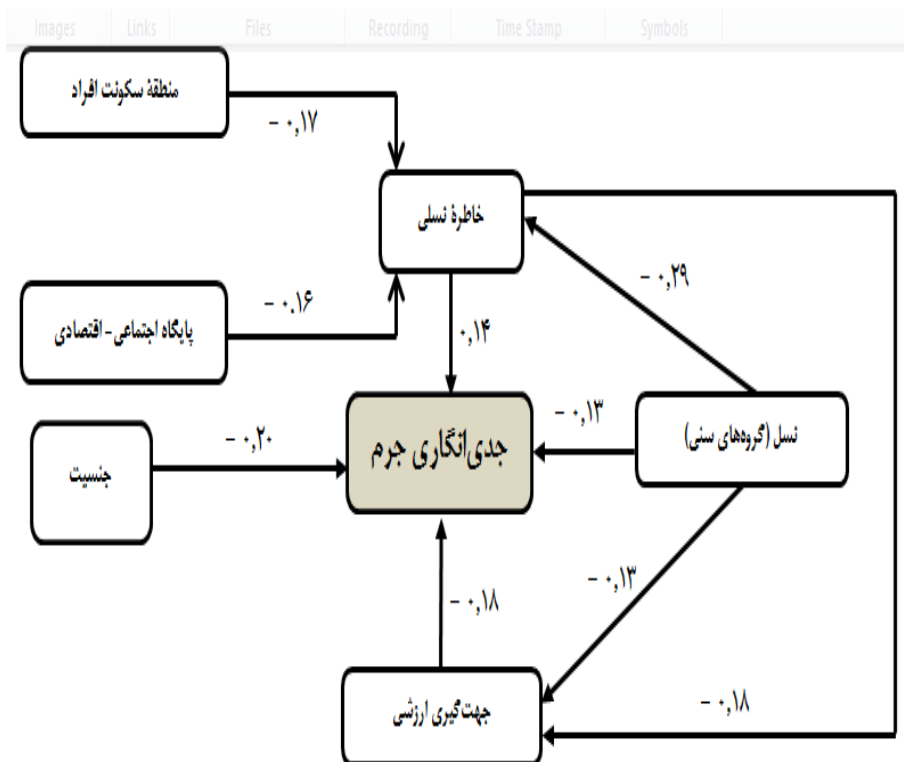
نتایج نهایی تحلیل مسیر انجام‌شده، برای یافتن مسیرهای علی و تعیین آثار مستقیم و غیر مستقیم یا بی‌تأثیری متغیرها بر جدی‌انگاری جرم، نشان‌دهنده میزان و نحوه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و اثر کل است که در جدول ۱۳ آمده است:

جدول ۱۳. آثار متغیرهای مدل تحلیلی بر جدی‌انگاری جرم

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
نسل	۰,۱۳	۰,۰۰۰۹	۰,۱۳
جهت‌گیری ارزشی	-۰,۱۸	...	-۰,۱۸
خاطره نسلی	۰,۱۴	۰,۰۳	۰,۱۷
جنسیت	-۰,۲۰	...	-۰,۲۰
پایگاه	...	-۰,۰۲۲	-۰,۰۲۲
منطقه سکونت	...	-۰,۰۲۳	-۰,۰۲۳

با توجه به داده‌های جدول و تأثیر مستقیم متغیر جنسیت، این متغیر قوی‌ترین و مهم‌ترین قدرت پیش‌بینی‌کننده متغیر جدی‌انگاری جرم را به خود اختصاص داده است. جهت‌گیری ارزشی نیز پس از جنسیت، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. بعد از این دو، متغیرهای خاطره نسلی و گروه‌های نسلی (با اثرگذاری مستقیم) بیشترین تأثیر را بر جدی‌انگاری جرم دارند. در نهایت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و منطقه سکونت (با اثرگذاری غیر مستقیم)، کمترین قدرت پیش‌بینی‌کننده را در زمینه متغیر وابسته داشته‌اند.

مدل تحلیل مسیر



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیمایش حاضر، پژوهشی تحلیلی و هدفمند در حوزه جدی‌انگاری جرم است. هدف از این پژوهش سنجش تأثیر تحولات نسلی بر تغییر معیارهای هنجاری و الگوهای رفتاری افراد در قلمرو جرم و انحراف اجتماعی و حساسیت‌سنجی اجتماعی-فرهنگی در این زمینه است. پژوهش در میان نمایندگان دو نسل اجتماعی و تاریخی مهم و در مقطع فعلی جامعه ما، یعنی اعضای نسل بزرگسال (۶۰-۴۲ ساله) و جوان (۳۵-۱۸ ساله) در کلانشهر تهران به اجرا درآمده است.

بر طبق یافته‌های تحقیق می‌توان گفت میزان جدی‌انگاری جرم، در میان دو نسل بزرگسال و جوان، تفاوت چندانی با هم ندارد. این بدان معنا است که دربارهٔ مقولهٔ اجتماعی

مهمی همچون جرم، دو نسل یادشده، انگاره‌های تقریباً مشابهی دارند؛ به طوری که میانگین نمره‌های نسل جوان به دو جنبه نادرستی و زیانباری جرایم تا حد زیادی با میانگین نمره‌های نسل بزرگسال، با تفاوتی اندک- و البته معنادار - تقریباً یکسان است؛ به عبارت دیگر هرچند جوانان در مقایسه با بزرگسالان، نگاه تساهلی و تسامحی بیشتری به کلیت جرایم داشته‌اند، بعضی جرایم از جمله جرایم خشن و مالی را، تقریباً به یک میزان، زشت، نادرست، غیر اخلاقی و زیانباری می‌دانند. در مقابل، در خصوص برخی دیگر از جرایم، یعنی جرایم جنسی و امنیتی، جوانان تساهلی‌تر از نسل بزرگسال فکر و قضاوت می‌کنند.

در تحلیل یافته‌های مهم پژوهش، مبنی بر تفاوت نه‌چندان زیاد در انواع جهت‌گیری‌های ارزشی (مادی و فرامادی) و نیز میزان‌های جدی‌انگاری جرم میان دو نسل مورد مطالعه، باید گفت، این تفاوت حداقلی، یا به تعبیری، همسویی ارزشی و هنجاری نسل‌ها در جامعه ایران، اساساً معنادار بوده است و واقعیت‌هایی را برای ما آشکار می‌سازد: نخست اینکه جامعه ایران، هنوز عرصه همزیستی و تعامل نزدیک چند نسل با هم (در خانواده، محیط‌های کار و اشتغال، فراغت، اجتماع محلی و کثیری از میدان‌های اجتماعی) است و جدایی و تفکیک‌های گسترده نسلی در اینجا مصداق واقعی ندارد. اعضای نسل جوان جامعه فعلی ما هنوز در حد قابل ملاحظه‌ای با نسل بزرگسال، زندگی، حرکت، فکر و رفتار می‌کنند و چنانکه اشاره شد، نسل‌های یادشده، از فضای خانه تا محافل کلان‌تر اجتماعی، در تعاملی طبیعی با یکدیگرند، بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند.

این موضوع می‌تواند دلیلی بر هم‌نوایی بیشتر ارزش‌ها و نگرش‌های دو نسل در جامعه ایران باشد. هرچند تفاوت شرایط دوره و اختصاصات ویژه هر نسل، می‌تواند (همان‌طور که در نظریه‌های نسل تاریخی مفروض است) تفاوت‌هایی - هرچند حداقلی - بین آنان به وجود آورد. یادآوری می‌شود که امروزه، بسیاری از جوانان جامعه ما در جای‌جای این مرزوبوم، به شمار کثیری از سنت‌ها و معیارهای جمعی گذشته پایبندند. از طرف دیگر، بزرگسالان نیز به دلیل تغییرات مادی - تکنولوژیکی، ابزارهای ارتباطی و اشاعه فرهنگی نوین که به اجبار، تغییر دیدگاه‌ها و جاذبه‌ها را به همراه می‌آورد، با شرایط، پدیده‌ها، قواعد و الگوهای تفکر، قضاوت و رفتار مناسب و پسند زمانه، پیوند می‌خورند؛ بنابراین همان‌طور که اعضای نسل جوان، در مجاورت نسل‌های قبل، کمابیش با گذشته فرهنگی - تاریخی خود مرتبط‌اند و دنباله‌روی برخی اصول و معیارهای سنتی باقی می‌مانند، والدین خود را نیز به مسیر تغییرات دنیای جدید و

افکار، الگوها و پدیده‌های به‌روز می‌کشانند. پیوندها و گره‌خوردگی‌های این‌چنینی میان دو نسل، موجب همسویی و همگرایی‌های بیشتر در زمینه‌های مختلف می‌شود. نکته دیگر این که در پی وقوع تغییرات گسترده اجتماعی-اقتصادی در یک جامعه، انتظار می‌رود تحولات عمیقی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد به مسائل مختلف اتفاق افتد. این موضوع را اینگلهارت این گونه مطرح می‌کند که حرکت جامعه از شرایط جانی و اقتصادی ناامن به سمت توسعه رفاهی و امنیتی موجب ظهور ارزش‌های مرتبط با نیازهای مرتبه دوم یا عبور از ارزش‌های مادی و بقا به سوی ارزش‌های فرامادی مرتبط با کیفیت زندگی در نسل‌های جدیدتر خواهد شد که خود می‌تواند به تدریج قضاوت‌ها و نگرش افراد را نسبت به مسائل مختلف دگرگون سازد. بر این اساس، طبیعی است که به دلیل تغییر و تحولات اجتماعی-اقتصادی گسترده طی دهه‌های اخیر در جامعه ما، این گذار بطنی در حال طی شدن است و تغییر دیدگاه‌های نسلی به آرامی و نه پرشتاب، صورت می‌پذیرد. در نتیجه در کوتاه‌مدت، نگرش و قضاوت نسل‌ها نسبت به امور مختلف، از جمله جرم و رفتارهای مجرمانه، شبیه‌تر خواهد شد؛ اما با گذر زمان و جایگزینی نسل، انتظار می‌رود، تفاوت‌های بین نسلی پررنگ‌تر و قاطع‌تر خود را نشان دهند.

در تحلیل یافته‌های مربوط به متغیر وابسته یا مسئله جدی‌انگاری جرم و نحوه نگرش پاسخگویان دو نسل جوان و بزرگسال به جرایم و مجازات باید گفت جمعیت نمونه تحقیق اعم از بزرگسالان و نسل جوان، از میزان بالایی از جدی‌انگاری و واکنش منفی نسبت به مقوله جرم برخوردار بوده‌اند. بدین معنا که وقتی از آنان درباره نادرست و غیر اخلاقی بودن جرائم یا مغایرت آنها با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه (نادرست‌پنداری) سؤال شده است، نمرات آنها غالباً بالاست. همچنین زمانی که درباره میزان آسیب وارده بر قربانیان احتمالی (آسیب‌های بدنی، مالی یا روانی) از اعضای دو نسل سؤال شده است، در ارزیابی خطر جرایم مذکور، همگرا و توافق «بالایی» دارند (زیانبارانگاری).

این موضوع نشان می‌دهد که جمعیت تحقیق حاضر در گروه‌ها و سطوح مختلف نسلی، هنوز نسبت به مقولات و مسائل مهمی همچون ضرورت رعایت هنجارها، قواعد، قوانین و بنیان‌های اصلی نظم جمعی در جامعه خود حساسیت دارند. بر این اساس، اگر این فرض پذیرفته شود که نحوه افکار و نگرش افراد می‌تواند تا حد زیادی کنش‌ها و رفتارهای آنان را شکل دهد، امید است که با تأمل و جدی‌انگاری بیشتر نسبت به خطرات و آسیب‌های اخلاقی

و اجتماعی جرایم مختلف، احتمال ارتکاب جرم اعضای نسل‌های مذکور پایین بیاید و قواعد و قوانین اجتماعی از مشروعیت و اهمیت بیشتری در افکار عمومی برخوردار شوند.

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- اینگلهارت رونالد و پل آر آبرامسون (۱۳۷۸). *امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی*. شهناز شفیعی خانی. *نامه پژوهش*، شماره ۱۵-۱۴.
- آزادارمکی، تقی، غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. ناشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- پوراحمد، احمد و محسن کلانتری (۱۳۸۱). *نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتكابی شهر تهران*. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰.
- جعفری، احمد (۱۳۸۹). *بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جدی‌انگاری جرم در بین دانشجویان دانشگاه تربیت‌معلم*. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی کرج.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳). *تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. چاپ سوم، تهران: نشر آگه.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد؛ گودرزی، محسن (۱۳۸۴). *نقش شکاف‌انداز تجربیات نسلی در ایران*. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۶.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هجدهم، تهران: نشر نی.
- قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۳). *نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌گرایش‌ها ارزشی نسل جوان و بزرگسال*. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

- Evans, S.S. and Scott, J.E. (1984). The Seriousness of Crime Cross-Culturally. *Criminology* 22(1) 39-59.
- Kwan, P. and et al. (2002). Perceived crime seriousness Cinsensus and disparity. *Journal of Criminal Justice*, Vol. 30: 623-632.
- Rosenmerkel, S, P. (2001). Wrongfulness and harmfulness as components of seriousness of white-collar offenses. *Journal of contemporary criminal justice*, Vol. 17 No 4: 308-327.
- Serajzadeh, S.H. (2008). Social Determinants of the Seriousness of Crime: An Examination of a Muslim Saple. *The journal of Social Compass*, Vol. 55, No. 4, 541- 560.

-
- Tarling, Roger. and Morris, Katie.(2010). Reporting Crime to the Police. *British Journal of Criminology*, 50(3):474-490.
- Warr, M. (1989). What Is the Perceived Seriousness of Crime? A mail survey of Dallas residents. *Sociology* 46 b—Assignment 1. *Crimonology: An Interdisciplinary Journal*. Vol. 27, No. 4: 795-821.